

"ما میتوانیم در هر شرایطی که هستیم به زندگی لبخند بزنیم"

تجربه شخصی ۴ نفر از اعضای فعال باشگاه یاران مثبت درباره تأثیر این باشگاه در زندگی آنان

بر سر راه خوب زندگی کردن و خوشبخت بودن هیچ مانعی وجود ندارد. حتی با داشتن مشکلات بزرگی مانند یک بیماری لاعلاج مانند HIV / ایدز باز هم میتوان از زندگی لذت برد. این ما هستیم که تعیین می‌کنیم خوشبخت باشیم یا نباشیم. کفایت از زاویه بهتری به مشکلاتمان نگاه کنیم و ابزار موجود در اطراف آن برای فائق آمدن بر سختیها را شناسایی و از آنها نهایت استفاده را ببریم. به قول نویسنده معروف (وین دایر) درست نگاه کنیم و بینیم مشکلاتمان چه پیامی با خود برایمان به همراه دارد و از ما چه چیزی میخواهد؟ مشکلات و شکستها در صورتی که به دنبال چگونگی نقش خود در بوجود آمدن آنها باشیم، بسیار هم سازنده و موثر در آینده ما خواهند بود. زمانی که مسئولیت اتفاقات ناخوشایند زندگی خود را به عهده بگیریم و به دنبال آن باشیم تا سهم خود را در بوجود آوردن مشکلات و همچنین یافتن راه حل مناسب بیابیم قدم بزرگی رو به جلو و موفقیت برداشته ایم. ما شعار نمی‌دهیم و برای اثبات گفته‌هایمان تجربه زنده چهار نفر از افراد مبتلا به HIV / ایدز را در اختیاران گذاشته تا خود قضاوت نمایند.

یک بیمار ایدز نیاز به حمایت‌های روحی روانی و درمانی دارد. اهم مشکلات ما بیماران پذیرفته نشدن از سوی جامعه نا آگاه که ایدز را مانند یک هیولا می‌دانند و معتقدند یک بیمار ایدز میتواند همه آنها را آلوده کند، در صورتی که این ویروس به هیچ وجه از طریق روابط معمول جامعه منتقل نمی‌شود و این مهم یعنی اطلاع رسانی صحیح به جامعه هیچگاه تحقق پیدا نمی‌کند مگر از طریق تلاش مستمر و اطلاع رسانی مداوم که یکی از مراکز تازه تاسیس بنام باشگاههای مثبت که با هدف خدمت رسانی به مبتلایان و پیشگیری از این بیماری در جامعه نقش مثبت و اساسی در برداشتن انگ و تبعیض از بیماران مبتلا ایفا نموده است. این باشگاه با برگزاری کارگاههای مختلف آموزشی و دادن اطلاعات درباره بیماری و برپایی کلاسهای متنوع علمی هنری و مهارتهای زندگی و گروه درمانی و در نتیجه امید دادن به بیماران و بهبود کیفیت زندگی آنان گام بزرگی برای رسیدن به اهداف UNAIDS برداشته است و تلاش در راه برداشتن انگ و تبعیض در بیماران HIV مثبت همچنان ادامه دارد.

در این قسمت از مقاله توجه شما را به تجربه زندگی چهار عضو HIV / ایدز باشگاه یاران مثبت و نقش این باشگاه در زندگی شخصی آنان جلب مینماییم :

۱ - ع . م . ۳۶ ساله متاهل : در روزهای اول که متوجه شدم این بیماری همراه با من است عضوباشگاه یاران مثبت شده و در هفته چند روز به آنجا میرفتم و از امکانات و کلاسها و کارگاههایی که برگزار می شد استفاده میکردم و از محیط دوستانه و جو صمیمی که با حضور همدردان دیگرم بوجود می آمد لبریز از انرژی شده و آنرا به خانواده خود نیز انتقال می دادم . تا اینکه پس از مدتی که دوره های مختلف و کارگاههای آموزشی همسان را گذراندم بطور رسمی کارمند باشگاه شده و مسئول پاسخگوئی به مشاوره های تلفنی خط HOTLINE که تازه شروع به کار کرده بود شدم . این روند باعث شد تا بتوانم با بیماری خود به راحتی کنار آمده و در کنار خانواده ام زندگی مطلوب و آرامی داشته باشم و امیدوارم همانطور که باشگاه مثبت برای اینجانب و خانواده ام مفید واقع شده است ، برای تمامی افراد همدردم که از روی ناآگاهی و سهوا" به این بیماری مبتلا شده اند ، موثر باشد و این افراد با حضور مستمر در این باشگاهها بتوانند هم به خود و هم به یک بیمار همدرد دیگر کمک نمایند . من معتقدم یک فرد بیمار از توانمندیهای زیادی برخوردار است و میتواند با عملکرد مثبت خویش دید عموم را نسبت به این بیماری تغییر دهد .

با آرزوی آرزوی

ع . ب . ۳۲ ساله مجرد : اوایل که متوجه شدم میزبان HIV هستم با خود می اندیشیدم که من یک انسان بخت برگشته و قربانی هستم که مورد خشم و غضب پروردگار قرار گرفتم . طرز نگاه و برخورد جامعه ام به HIV مرا روزبه روز مضطرب و مستاصل می گردانید و احساس می کردم هیچ جایگاهی در جامعه نداشته و بی سروصدا به دنبال یافتن یک راه برای خود کشی راحت وبی درسر می گشتم . اما پس از مدتی که به دنبال یک راه نجات به مراکز مختلف در زمینه HIV سرکشی کردم با باشگاه یاران مثبت آشنا شدم و از همان ابتدا زمانی که در جمع عده ای از همدردانم قرار می گرفتم و موج صداقت را در بیان احساسات و افکار آنها حس می کردم یک نوع آرامش و حس همدردی دلسوزانه سراسر وجودم را گرم می کرد و من نیز تصمیم گرفتم در این جمع با صداقت کوله بارغم و ناراحتییم را تخلیه کنم و از آن زمان به بعد بطور داوطلب در اکثر برنامه ها و کارگاههای متنوع باشگاه حضور داشتم . تمایل به خوب زندگی کردن در من روز به روز شعله ور می شد و متوجه شدم بسیاری از نگرانی هایم و ترسهایم بی مورد بوده است . در حال حاضر از زندگی احساس رضایت داشته و زمانی که در امید را به روی یک بیمار HIV مثبت باز میکنم احساسات زیبایی را تجربه می کنم که در گذشته با این احساسات بیگانه بودم و به همین دلیل هر لحظه و در هر مکان شکر گذار خداوند متعال هستم .

ف.س ۲۹ ساله متاهل : هنوز هم بعد از گذشت پنج سال از روزی که فهمیدم مثبت هستم وقتی به یاد این موضوع می افتم که یک بیمار هستم دلم می گیرد و غمگین می شوم. تا مدتها با خود فکر می کردم که من در ازای کدام گناهم گرفتار چنین تاوانی شده ام . آنروزها با ترس از شناخته شدن ، ساکت و بی سروصدا به بیمارستان مراجعه می کردم و کارهای پزشکی ام را انجام می دادم و دوباره آرام به خانه بر می گشتم . تا اینکه بعد از مدتی از شناخت بیماری باشگاه یاران مثبت را شناختم که متعلق به افراد HIV مثبت می باشد . اولین روز هیچگاه از یادم نمی رود وقتی که وارد باشگاه شدم تا مدتی معذب بودم، به محض اینکه متوجه شدم مسئول ثبت نام در باشگاه خود نیز از افراد HIV مثبت می باشد یک نفس راحت کشیدم . در این چند سال اخیر باشگاه یکی از ارکان اصلی زندگیم شده است و اگر هفته ای حداقل دو بار به باشگاه بروم و همدردانم را ببینم آن هفته برایم روزهای خوبی نخواهد داشت . روزهایی را به خاطر می آورم که قرار بود در جلسه هفتگی باشگاه شرکت کنیم. از شب قبل آماده می شدیم و منتظر بودیم تا صبح فرا رسد و ما به تهران بیائیم (محل زندگی ما کرج است) . روزی را به یاد می آورم که از طرف باشگاه برای رفتن به کارگاه آموزشی در شهر انزلی انتخاب شدیم. من و همسر من که بیمار هموفیل است و از طریق فرآورده های حاوی ویروس مبتلا شده تصمیم گرفتیم با اجازه مسئولین باشگاه دخترم الهه را هم ببریم. وقتی در آنجا گفتم که الهه سالم است، همگی با کف زدن و شادی خوشحال شده و در آن چند روزی که در آنجا بودیم با خیلی از افراد مبتلا از شهرهای دیگر آشنا شده و هنوز هم با هم در تماس هستیم . الهه همیشه از آنها یاد می کند .

الف . ج ۳۶ ساله متاهل : از آنجائی که انگ و تبعیض از ابتدا با HIV آمیخته شده و اینکه در ابتدا عفونت HIV به وضوح در گروههای مشخص وجود داشت، تصورات کلیشه ای و وحشتناک از این ویروس در افکار عموم نقش بست . عملکرد صحیح باشگاه مثبت باعث جذب بیماران و همکاری آنان برای پیشگیری بسیار موثر میباشد و این باشگاه به همراه اعضاء می توانند ندای کاهش انگ و تبعیض در میان مبتلایان را سر دهند . ما افراد HIV مثبت در جمع خود در باشگاه به این نتیجه رسیده ایم که تنها نیستیم بلکه در تمام مراحل زندگی به خدا و همه مخلوقات متصلیم . حضور در باشگاه باعث شد تا اینجانب با یک خانم همدرد آشنا شده و پس از مدتی باهم ازدواج کردیم و در حال حاضر در کنار هم از زندگی لذت می بریم .